

## Psychometric Properties and Factor Structure of the Risky, Impulsive and Self-Destructive Behavior Questionnaire and Affective Triggers of Risky Behavior (Farsi Version)

Hashem Jebraeili<sup>1</sup>, Roya Rezaee<sup>2</sup>, Shabnam Davudizadeh<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Ph. D. Student in Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

<sup>3</sup> Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

### Article History

**Received:** 2022/02/20

**Revised:** 2023/01/10

**Accepted:** 2023/01/11

**Available online:** 2023/01/11

**Article Type:** Research Article

**Keywords:** Affective motivation, impulsivity, risky behavior, self-destructive behavior, Psychometric properties.

### Corresponding Author\*:

Correspondence concerning this article should be addressed to dr. Jebraeili Department of Psychology, Faculty of Social and Educational Sciences, Razi University, Kermanshah, No. 1, Shahid Beheshti Ave. Kermanshah

**Postal code:** 67146-73175

**ORCID:** 0000-0002-4007-5096

**E-mail:** h.jebraeili@yahoo.com

### Dor:

<http://dorl.net/dor/20.1001.1.20081243.1400.16.1.8.6>

### ABSTRACT

The present study was conducted to evaluate the psychometric properties and factor structure of the risky, impulsive and self-destructive behavior and affective triggers of risky behavior questionnaire. In an analytical cross-sectional study, 401 adults were selected from the general population of Kermanshah (n=201) and Sanandaj (n=200) and were assessed using the Risky, Impulsive, and Self-Destructive Behavior Questionnaire (2017) and the Impulsive Behavior Scale (2014). Data were analyzed using correlation tests and confirmatory factor analysis using SPSS-26 and Mplus-8 software. Cronbach's alpha and split-half coefficient of the three main parts of the questionnaire (risky behavior, negative affective motivation and positive affective motivation) were 0.91 and 0.91, 0.93 and 0.91, and 0.93 and 0.92, respectively. The factor structure of the risky behavior (RMSEA=0.02, CFI=0.98, TFI=0.98), negative affective motivation (RMSEA=0.05, CFI=0.93, TFI=0.93) and positive affective motivation (RMSEA=0.03, CFI=0.96, TFI=0.96) parts was approved. Positive correlations between risky behaviors and impulsivity dimensions indicated the criterion validity of the questionnaire. The results showed the reliability and validity of the risky, impulsive, and self-destructive behavior questionnaire and considering that it measures a wide range of risky behaviors in a relatively short time, it can be a suitable measure for research and screening.

**Citation:** Jebraeili, H., Rezaee, R., Davudizadeh, S. (1400/2022). Psychometric Properties and Factor Structure of the Risky, Impulsive and Self-Destructive Behavior Questionnaire and Affective Triggers of Risky Behavior (Farsi Version), 16 (1). 97-108.

**Dor:** <http://dorl.net/dor/20.1001.1.20081243.1400.16.1.8.6>

## ویژگی‌های روان‌سنجی و ساختار عاملی پرسش‌نامه رفتار پرخطر، تکانشی و خود مخرب و انگیزش‌های عاطفی رفتار پرخطر

هاشم جبرائیلی<sup>۱\*</sup>، رویا رضائی<sup>۲</sup>، شبنم داوودی زاده<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران  
<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران  
<sup>۳</sup>کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

## اطلاعات مقاله

## چکیده

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

اصلاح نهایی: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی و ساختار عاملی پرسش‌نامه‌ی رفتار پرخطر، تکانشی و خود مخرب و راه اندازه‌های عاطفی رفتار پرخطر انجام شد. در یک پژوهش تحلیلی-مقطعی ۴۰۱ فرد بزرگسال از جمعیت عمومی شهرهای کرمانشاه (۲۰۱ نفر) و سنندج (۲۰۰ نفر) انتخاب و با استفاده از «پرسش‌نامه‌ی رفتار پرخطر، تکانشی و خود مخرب (۲۰۱۷)» و «مقیاس رفتار تکانشی (۲۰۱۴)» مورد سنجش قرار گرفتند. داده‌ها با به‌کارگیری آزمون‌های همبستگی و تحلیل عاملی تأییدی و استفاده از نرم افزارهای SPSS-26 و Mplus-8 مورد تحلیل قرار گرفت. آلفای کرونباخ و ضریب تنصیف سه بخش اصلی پرسش‌نامه (رفتار پرخطر، انگیزش عاطفی منفی و انگیزش عاطفی مثبت) به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۹۱، ۰/۹۳ و ۰/۹۱ و ۰/۹۲ و ۰/۹۳ به دست آمد. ساختار عاملی قسمت‌های رفتار پرخطر (RMSEA=0.02, CFI=0.98, TFI=0.98)، انگیزش عاطفی منفی (RMSEA=0.05, CFI=0.93, TFI=0.93) و انگیزش عاطفی مثبت (RMSEA=0.03, CFI=0.96, TFI=0.96) مورد تأیید قرار گرفت. همبستگی‌های مثبت بین رفتارهای پرخطر و ابعاد تکانش‌گری از روایی ملاکی پرسش‌نامه حکایت داشت. نتایج از پایایی و روایی پرسش‌نامه رفتار پرخطر، تکانشی و خود مخرب حکایت داشت و با توجه به این که این ابزار دامنه‌ی گسترده‌ای از رفتارهای پرخطر را در زمانی نسبتاً کوتاه مورد سنجش قرار می‌دهد، می‌تواند ابزار مناسبی برای پژوهش و غربالگری باشد.

**کلیدواژه‌ها:** انگیزش عاطفی، تکانش‌گری، رفتار پرخطر، رفتار خود مخرب، ویژگی‌های روان‌سنجی

## نویسنده‌ی مسئول\*:

هاشم جبرائیلی درجه‌ی دکتری روان‌شناسی سلامت، استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه رازی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی و تربیتی، دانشگاه رازی. کرمانشاه، خیابان شهید بهشتی، کوی دانشمند، پلاک ۱، کد پستی

کد پستی: ۶۷۱۴۶-۷۳۱۷۵

ارکید: ۵۰۹۶-۴۰۰۷-۰۰۲-۰۰۰-۰۰۰۰

پست الکترونیکی:

h.jabraeili@yahoo.com

## مقدمه

رفتار پرخطر و خود مخرب شامل انجام انتخاب‌های رفتاری است که افراد را در معرض خطر جدی آسیب قرار می‌دهد و منعکس‌کننده‌ی تمایل به انجام رفتارهای مضر بدون در نظر گرفتن پیامدهای منفی احتمالی آن‌ها است (استینبرگ، ۲۰۰۸). بر اساس این تعریف دامنه‌ی وسیعی از رفتارها را می‌توان به‌عنوان پرخطر یا خود مخرب در نظر گرفت. برای مثال، بعضی از افراد ممکن است با عمل کردن به صورت پرخاش‌گرانه، صدمه زدن به خود با هدفی غیر از خودکشی یا راندگی بی‌مهابا خود را در معرض خطر قرار دهند، در حالی که گروه دیگر با شرط‌بندی‌های بزرگ یا سرمایه‌گذاری‌های خطرناک به صورت مالی خطر می‌کنند؛ بعضی از افراد با مصرف مواد غیرقانونی یا پرخوری خود را در معرض خطرات سلامتی قرار می‌دهند و افراد دیگر در رفتار جنسی پرخطر یا فعالیت مجرمانه شرکت می‌کنند (ساده و باسکین- سومرز، ۲۰۱۷). فارغ از تنوع، در مجموع این رفتارها با افزایش احتمال مرگ زودرس، معلولیت و ناتوانی بلند مدت و پیامدهای سلامت روانی هزینه‌های زیادی را به فرد و جامعه تحمیل می‌کند (کمپ، ساده و باسکین- سومرز، ۲۰۱۸؛ مفیت، آرسنولت، بلسکی، دیکسون، هانکوکس، هارینگتون و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین، درگیری در رفتارهای پرخطر و تکانشی، خواه این رفتارها ذاتاً مجرمانه باشد یا نباشد، احتمال درگیری در سیستم قضایی را افزایش می‌دهد (مستره- باچ، استوارد، گرانو، فرناندز- آرندا، تالون-ناوارو، کورولا و همکاران ۲۰۱۸).

شدت مشکلاتی که رفتار پرخطر و تکانشی به فرد و در مقیاس بزرگ‌تر به جامعه تحمیل می‌کند اهمیت بررسی این رفتارها و شناسایی عوامل مؤثر بر آن‌ها را برجسته می‌سازد. اگرچه تا کنون رفتارهای پرخطر در مطالعات مختلف مورد توجه قرار گرفته است، اما محدودیتی که وجود دارد این است که پژوهش روی این موضوع عمدتاً به صورت جزیره‌ای انجام شده و انواع مختلف رفتارهای پرخطر و خود مخرب به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفته است. این رویکرد اگرچه از امتیازاتی برخوردار است، اما وقوع هم‌زمان این رفتارها را نادیده می‌گیرد، ممکن است مکانیسم‌های مشترکی را که در این طیف از رفتارها مشارکت دارند مورد بررسی قرار ندهد و ممکن است یک ارزیابی حاشیه‌ای از تمایل افراد به

درگیری در رفتارهای پرخطر فراهم کند (ساده و باسکین- سومرز، ۲۰۱۷؛ تامسن، استاندر، مک ورتز، رابنهورست و میلنر، ۲۰۱۱).

ابزارهای رفتار محوری که در حال حاضر وجود دارند عمدتاً یک حوزه‌ی رفتاری مانند رفتار ضد اجتماعی، مصرف الکل و مصرف مواد را به صورت عمیق اندازه‌گیری می‌کنند. اگرچه این رویکرد یک ارزیابی دقیق از ابعاد درون یک حوزه رفتاری منفرد فراهم می‌کند، اما میزان بالای وقوع هم‌زمان رفتارهای پرخطر در نظر گرفته نمی‌شود (مک آرتور، اسمیت، ملوتی، هرون، مکلود، هیچمن و همکاران، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، ابزارهای مبتنی بر شخصیت، خطرپذیری را به‌عنوان یک صفت مفهوم‌بندی کردند و با این هدف ساخته شدند که یک سازه‌ی نهفته که تمایلات خطرپذیری مزمن را در برمی‌گیرد بسنجند. برای مثال، فرض بر این است که اختلال‌های طیف برون‌سازی منعکس‌کننده‌ی یک آمادگی ارثی برای انواع مختلفی از بازداری زدایی<sup>۷</sup> باشند و به‌عنوان واریانس مشترک بین اختلال‌های روان‌پزشکی بازداری‌زدایی شده (برای مثال، رفتار ضد اجتماعی بزرگ‌سالی و اختلال‌های مصرف مواد) و صفات شخصیت اندازه‌گیری می‌شوند (کروگر، مارکون، پاتریک، بنینگ و کرامر، ۲۰۰۷). با این وجود، بر خلاف ابزارهای رفتار محور، مقیاس‌های صفت محور فرض می‌کنند که تمام رفتارهای پرخطر یک سبب‌شناسی زیربنایی مشترک (برای مثال، صفت تکانش‌گری) دارند. علاوه بر این، آن‌ها فراوانی رفتار را نمی‌سنجند، به ندرت یک چارچوب زمانی برای سنجش مشخص می‌کنند و اغلب بر تعبیر ذهنی میزانی که یک رفتار یا صفت خاص فرد را توصیف می‌کند تکیه دارند (ساده و باسکین- سومرز، ۲۰۱۷).

روی هم رفته، ابزارهای رفتار محور موجود بسیار محدود و ابزارهای شخصیت محور بسیار کلی هستند و به وجود ابزارهای نسبتاً کوتاهی نیاز است که بتوانند دامنه‌ی وسیعی از رفتارهای پرخطر و مخرب، به ویژه آن‌هایی که با پیامدهای مالی، سلامتی و اجتماعی همراه هستند، را مورد سنجش قرار دهند. در پاسخ به این نیاز، ساده و باسکین- سومرز (۲۰۱۷) پرسش‌نامه‌ی رفتار پرخطر، تکانشی و خود مخرب را توسعه دادند که برای سنجش دامنه‌ی گسترده‌ای از رفتارهای پرخطر و راه‌اندازهای عاطفی آن به

7. trait

8. disinhibition

9. Krueger, Markon, Patrick, Benning &amp; Kramer

1. Risky, Impulsive, and Self-Destructive Behavior Questionnaire (RISQ)

1. Steinberg

2. Sadeh &amp; Baskin-Sommers

3. Moffitt, Arseneault, Belsky, Dickson, Hancox, Harrington

4. Mestre-Bach, Steward, Granero, Fernández-Aranda, Talón-Navarro, Cuquerella

5. Thomsen, Stander, McWhorter, Rabenhorst &amp; Milner

6. MacArthur, Smith, Melotti, Heron, Macleod, Hickman

حالات خلقی منفی یا تحت تأثیر وسوسه‌های فوری باشند (ویس، تول، ویانا، انستیس و گرتز، ۲۰۱۲). بر این اساس، مدل‌های نظری موجود درباره رفتار تکانشی و پرخطر دو راه‌انداز اولیه‌ی کاهش یا تسکین حالات عاطفی منفی مانند پریشانی، غمگینی یا خشم شدید (جیمز، استروم و لسکلا، ۲۰۱۴؛ لیرو، زوولنسکی و برنستین، ۲۰۱۰) و افزایش حالات عاطفی مثبت مانند تجربیات لذت‌بخش یا شورانگیز (کمپ و همکاران، ۲۰۱۸؛ زاگرم و کلن، ۲۰۰۱) را شناسایی کردند. در همین راستا، مدل‌های برجسته‌ی انگیزش مطرح می‌کنند که دو سیستم اولیه‌ی انگیزش گرایش‌گه شامل دنبال کردن پیامدهای پاداش دهنده است و وجود دارد. رفتار پرخطر و تکانشی با تغییراتی در فعال‌سازی یک یا هر دو سیستم در ارتباط است. برای مثال، مطالعات نشان داده است که مصرف مواد با سوءگیری به سوی تمایلات گرایش نظیر آمادگی برای جستجوی پاداش‌های جدید یا تمایل به خواستن شور و شغف آلا حالات خوشایند، علیرغم پیامدهای منفی، ارتباط مثبت دارد. از سوی دیگر، تمایلات اجتناب نظیر نیاز به مقابله با عطفه منفی نیز به‌عنوان انگیزه‌ی اولیه رفتار پرخطر شناخته شده است (میگلین و همکاران، ۲۰۲۰).

آنچه مسلم است این است که دو راه‌انداز عاطفی از هم مستقل نیستند. در حالی که بعضی از افراد عاطفه‌ی منفی رفتار تکانشی و پرخطر را راه‌انداز می‌کند در دیگر افراد عاطفه‌ی مثبت ممکن است راه‌انداز احتمالی باشد. در افراد دیگر هم عاطفه‌ی منفی و هم عاطفه‌ی مثبت ممکن است راه‌انداز باشد و بعضی از رفتارهای تکانشی و پرخطر ممکن است بدون راه‌انداز عاطفی رخ دهد (کمپ و همکاران، ۲۰۱۸). فهم تنوع در راه‌اندازهای عاطفی رفتار تکانشی و پرخطر برای شناسایی دقیق افرادی که در این رفتارها درگیر می‌شوند و در نهایت تدوین مداخلاتی بر مبنای مکانیسم‌های سبب‌شناسی و تشویقی که در خدمت این رفتارها هستند ضروری است. در این راستا و با توجه به این که ابزارهای اندکی در زمینه‌ی سنجش رفتارهای پرخطر در کشور وجود دارد (زاده‌محمدی، احمدآبادی و حیدری، ۲۰۱۱/۱۳۹۰؛ سلیمانی‌نسب، غلامرضایی و ویس

کار می‌رود. در ساخت این پرسش‌نامه (ساده و باسکین- سومرز، ۲۰۱۷) سعی بر آن شد که بین یک تحلیل نظریه محور (برای مثال، بررسی ابزارهای موجود، شواهد تجربی و ویژگی‌های اساسی این سازه) از حوزه‌های رفتاری که بیش‌ترین ارتباط را با رفتار پرخطر، تکانشی و خود مخرب دارند و یک رویکرد داده محور تعادل ایجاد شود که این امکان را فراهم می‌کند که دامنه‌ای از رفتارها، از جمله آن‌هایی که کمتر در ابزارهای قبلی گنجانده شدند، به‌عنوان شاخص‌های رفتار پرخطر و خود مخرب مورد آزمون قرار گیرند. بنابراین، ساخت پرسش‌نامه با ایجاد طبقاتی از رفتارهای پرخطر و خود مخرب که در ادبیات شناسایی و تصدیق می‌شدند شروع و سپس از تحلیل عاملی استفاده شد تا مشخص شود که آیا طبقات رفتاری نظریه محور عامل‌های مشترک قابل اتکابی را تشکیل می‌دهند.

نتایج این تحلیل‌ها به ساخت پرسش‌نامه‌ای ۳۸ ماده‌ای منجر شد که ۱۰ حوزه‌ی رفتاری پرخطر و خود مخرب را در قالب ۹ عامل رفتار غیرقانونی/ مجرمانه، مصرف مواد، پرخاش‌گری، قماربازی، رفتار جنسی پرخطر، مصرف سنگین الکل، رفتار صدمه به خود، غذا خوردن تکانشی و رفتارهای بی‌مهابا (رانندگی و خرج کردن پول / مسائل مالی) مورد سنجش قرار می‌دهد و اعتبار و قابلیت استفاده از آن در پژوهش‌های مختلف (ساده، اسپیلبرگ و هایس، ۲۰۱۸؛ ساده و باسکین- سومرز، ۲۰۱۷؛ ساده و بردمیر، ۲۰۲۱؛ ساده، میگلین، بونوا، استرادا و باسکین- سومرز، ۲۰۲۱؛ میگلین، بونوا، اسپیلبرگ و ساده، ۲۰۲۰) نشان داده شده است. ویژگی دیگر این پرسش‌نامه که در هیچ ابزار دیگری وجود ندارد این است که راه‌اندازهای عاطفی رفتارهای پرخطر را نیز اندازه‌گیری می‌کند. در واقع، با خواستن از پاسخ‌دهندگان برای مشخص کردن این که چقدر هر کدام از این رفتارهای پرخطر را برای «متوقف کردن احساس غمگینی و پریشانی» یا «به هیجان آمدن و کسب لذت» انجام می‌دهند، به ترتیب انگیزش‌های عاطفی منفی و انگیزش‌های عاطفی مثبت انجام رفتارهای پرخطر مورد سنجش قرار می‌گیرد.

درگیری در رفتارهای تکانشی و پرخطر در دامنه‌ی گسترده‌ای از شرایط بروز می‌کند، اما این رفتارها به ویژه زمانی رخ می‌دهند که افراد در

8. James, Strom, & Leskela

9. Leyro, Zvolensky, & Bernstein

1. Zuckerman & Kuhlman

1. approach motivation

1. avoidance motivation

1. thrilling

0

1

2

3

1. theory-driven

2. data-driven

3. Sadeh, Spielberg & Hayes

4. Bredemeier

5. Sadeh, Miglin, Bounoua, Beckford, Estrada & Baskin-Sommers

6. Miglin, Bounoua, Spielberg & Sadeh

7. Weiss, Tull, Viana, Anestis & Gratz

بالاتر به معنای تکانش‌گری بیشتر است. پایایی خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۸ گزارش شده است و روایی آن نیز مورد تأیید قرار گرفته است (سیدرز، لیتلفیلد، کوفی و کاربادی، ۲۰۱۴).

ترجمه‌ی این ابزار در کشور توسط جبرائیلی، مرادی و حبیبی (۲۰۱۹) انجام شد. در بررسی انجام شده روی نسخه فارسی، پایایی همسانی درونی مقیاس ۰/۷۵ و پایایی تنصیف آن ۰/۷۶ به دست آمد. نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی، غیر از ترکیب دو بعد فوریت تحت یک عامل، نشان‌دهنده‌ی تأیید ساختار عاملی این مقیاس بود. همبستگی مثبت (۱=۰/۱۲ تا ۱=۰/۵۵) بین نمرات ابعاد تکانش‌گری با خرده‌مقیاس «دشواری در کنترل تکانه» مقیاس دشواری در تنظیم هیجان از روایی ملاکی مقیاس حکایت داشت. بررسی همبستگی بین ابعاد فرم کوتاه مقیاس رفتار تکانشی با بعد متناظر خود در فرم بلند نیز نشان‌دهنده‌ی همبستگی مثبت بالای (۱=۰/۴۸ تا ۱=۰/۷۴) ابعاد دو فرم این مقیاس بود (جبرائیلی و همکاران، ۲۰۱۹). در پژوهش حاضر پایایی همسانی درونی مقیاس ۰/۸۲ و پایایی تنصیف آن ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسش‌نامه‌ی رفتار پرخطر، تکانشی و خود مخرب؛ این پرسش‌نامه خود گزارشی دارای ۳۸ ماده است که تمایل عمومی به درگیری در رفتارهای پرخطر و خود مخرب را در ۹ حوزه‌ی رفتار غیرقانونی/ مجرمانه (برای مثال، دزدیدن پول)، مصرف مواد (برای مثال، مصرف کوکائین یا کراک)، پرخاش‌گری (برای مثال، وارد شدن در یک نزاع)، صدمه به خود (برای مثال، فکر کردن درباره‌ی کشتن خود)، قماربازی (برای مثال، شرط‌بندی در ورزش‌ها)، رفتار جنسی پرخطر (برای مثال، داشتن رابطه‌ی جنسی در آزادی دریافت پول یا مواد)، مصرف سنگین الکل (برای مثال، مصرف الکل به حد سیاهی رفتن چشم یا از حال رفتن)، غذا خوردن تکانشی (برای مثال، داشتن مشکل در متوقف کردن خوردن) و رانندگی یا پول خرج کردن بی‌مهابا (برای مثال، خرید تکانشی وسایل غیر ضروری) را اندازه می‌گیرد (ساده و باسکین - سومرز، ۲۰۱۷). در هر کدام از ماده‌ها، از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود که گزارش کنند در یک ماه گذشته و طول زندگی خود چند بار در این رفتارها درگیر

کرمی، ۲۰۱۸/۱۳۹۷) که هیچ کدام نیز انگیزش‌های عاطفی رفتارهای پرخطر را مورد سنجش قرار نمی‌دهند، پژوهش حاضر با هدف ترجمه و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی و ساختار عاملی نسخه‌ی فارسی پرسش‌نامه‌ی رفتار پرخطر، تکانشی و خود مخرب و راه‌اندازهای عاطفی این رفتارها در کشور انجام شد.

## روش

### طرح پژوهشی

مطالعه‌ی حاضر از نوع طرح‌های همبستگی بود که به صورت مقطعی انجام شد.

### شرکت‌کنندگان

چهار صد و یک نفر از افراد بزرگسال جامعه (گروه سنی ۱۸ تا ۶۰ سال) در این پژوهش مشارکت داشتند. با توجه به هدف پژوهش و روش تحلیل داده‌ها (ولف، هارینگتون، کلارک و میلر، ۲۰۱۳) نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شد. نمونه‌گیری در بهار سال ۱۴۰۰ و شهرهای کرمانشاه (۲۰۱ نفر) و سنندج (۲۰۰) انجام شد. روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود.

### ابزارهای پژوهش

فرم کوتاه مقیاس پنج عاملی رفتار تکانشی؛<sup>۱</sup> این مقیاس فرم ۲۰ ماده‌ای مقیاس رفتار تکانشی است که پنج بعد فوریت منفی<sup>۲</sup> (برای مثال، وقتی ناراحت، اغلب بدون فکر عمل می‌کنم)، (فقدان) تأمل<sup>۳</sup> (برای مثال، دوست دارم قبل از انجام کارها درباره‌ی آن‌ها فکر کنم)، (فقدان) پشتکار (برای مثال، آن‌چه را که شروع کردم به پایان می‌رسانم)، هیجان‌خواهی<sup>۴</sup> (برای مثال، من واقعاً از خطرپذیری لذت می‌برم) و فوریت مثبت<sup>۵</sup> (برای مثال، زمانی که خُلقم خیلی بالاست مایلم در موقعیت‌هایی درگیر شوم که می‌توانند برایم مشکل‌ساز شوند) را شامل می‌شود. ماده‌های این مقیاس بر اساس یک مقیاس ۴ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا چهار (کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود و نمرات

۶. sensation seeking

۷. positive urgency

۸. Cyders, Littlefield, Coffey, & Karyadi

۹. Risky, Impulsive, and Self-destructive behavior Questionnaire (RISQ)

۱. Wolf, Harrington, Clark, & Miller

۲. Short form of the UPPS-P impulsive behavior scale

۳. negative urgency

۴. lack of premeditation

۵. lack of perseverance

اختیار شرکت کنندگان گرفت. اطلاعات گردآوری شده با استفاده از آزمون‌های همبستگی و تحلیل عاملی تأییدی به وسیله‌س نسخه‌ی ۲۶ نرم‌افزار SPSS و نسخه‌س ۸ نرم‌افزار Mplus مورد تحلیل قرار گرفت.

### نتایج

اطلاعات جمعیت‌شناختی بیانگر آن بود که از ۴۰۱ نفر شرکت‌کننده در پژوهش حاضر ۲۲۱ نفر (۵۵/۱ درصد) مرد و ۱۷۸ نفر (۴۴/۴ درصد) زن بودند و دو نفر (۰/۵ درصد) جنسیت خود را اعلام نکرده بودند. ۲۱۸ نفر (۵۵/۴ درصد) مجرد و ۱۷۷ نفر (۴۴/۱ درصد) متأهل بودند و شش نفر (۱/۵ درصد) وضعیت تأهل خود را اعلام نکرده بودند. ۲۶ نفر (۶/۵ درصد) تحصیلات ابتدایی، ۴۳ نفر (۱۰/۷ درصد) تحصیلات راهنمایی، ۱۳۴ نفر (۳۳/۴ درصد) دیپلم، ۳۳ نفر (۸/۲ درصد) فوق دیپلم، ۱۲۵ نفر (۳۱/۲ درصد) لیسانس و ۳۶ نفر (۹ درصد) تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر داشتند و ۴ نفر (۱ درصد) نیز تحصیلات خود را ذکر نکرده بودند. ۳۵۲ نفر (۸۷/۸ درصد) کرد و ۲۶ نفر (۶/۵ درصد) غیر کرد بودند و ۲۳ نفر (۵/۷ درصد) قومیت خود را ذکر نکرده بودند. میانگین سن شرکت‌کنندگان ۳۱/۶۱ با انحراف استاندارد ۱۰/۵۵ بود. یافته‌های توصیفی حاکی از آن بود که در یک ماه گذشته ۱۸/۵ درصد شرکت‌کنندگان رفتار مجرمانه، ۲۰/۲ درصد مصرف مواد، ۳۲/۴ درصد پرخاش‌گری، ۱۷/۷ درصد قماربازی، ۱۰/۷ درصد رفتار جنسی پرخطر، ۱۴/۲ درصد مصرف سنگین الکل، ۱۸ درصد صدمه به خود، ۴۰/۴ درصد غذا خوردن تکانشی و ۵۴/۹ رفتار بی‌مهابا را تجربه کرده بودند.

جهت محاسبه‌ی پایایی پرسش‌نامه از دو روش آلفای کرونباخ<sup>۱</sup> و تنصیف استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های رفتار غیرقانونی/ مجرمانه، مصرف مواد، پرخاش‌گری، قماربازی، رفتار جنسی پرخطر، مصرف سنگین الکل، صدمه به خود، غذا خوردن تکانشی و رفتار بی‌مهابا به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۸۱، ۰/۷۸، ۰/۷۳، ۰/۷۹، ۰/۷۲، ۰/۷۹، ۰/۷۹، ۰/۵۸ و ۰/۳۸ بود که غیر از دو بعد اخیر برای بقیه ابعاد در سطح قابل قبولی قرار دارد. ضریب آلفای کرونباخ نمره‌ی کل پرسش‌نامه ۰/۹۱ و ضریب تنصیف آن ۰/۹۱ به دست آمد که از پایایی خوب بخش رفتارهای پرخطر پرسش‌نامه حکایت دارد. ضریب آلفای کرونباخ برای راه‌اندازهای عاطفی

شده‌اند. به منظور کاهش کجی مثبت، ابتدا پاسخ شرکت‌کنندگان به هر ماده بر اساس پنج طبقه (۰، ۱-۱۰، ۱۱-۵۰، ۵۱-۱۰۰ و بالاتر از ۱۰۰ بار) نمره‌گذاری می‌شود و سپس نمرات ماده‌های هر حوزه با هم جمع می‌شود تا نمره‌ی شرکت‌کننده در آن حوزه به دست آید. نمره‌ی بیشتر در هر حوزه نشان‌دهنده‌ی تمایل بیشتر به رفتارهای پرخطر در آن حوزه است. در این پرسش‌نامه هم‌چنین از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود که برای هر رفتار در یک مقیاس نوع لیکرت ۵ درجه‌ای از صفر (کاملاً مخالف) تا ۴ (کاملاً موافق) مشخص کنند که چقدر با این جمله موافق هستند که «من این رفتار را برای متوقف کردن احساس غمگینی و پریشانی انجام می‌دهم» و «من این رفتار را برای به هیجان آمدن و کسب لذت انجام می‌دهم». حاصل جمع پاسخ شرکت‌کننده به سؤال اول در ماده‌های مختلف به نمره‌ی کل راه‌انداز عاطفی منفی رفتار پرخطر و حاصل جمع پاسخ شرکت‌کننده به سؤال دوم در ماده‌های مختلف به نمره‌ی کل راه‌انداز عاطفی مثبت رفتار پرخطر منجر می‌شود. در مطالعه‌ی روان‌سنجی (ساده و باسکین- سومرز، ۲۰۱۷) همسانی درونی نمره‌ی کل پرسش‌نامه ۰/۹۲ و برای حوزه‌های مختلف (غیر از رفتار بی‌مهابا که ۰/۶۳ بود) بین ۰/۷۳ تا ۰/۹۲ به دست آمده است و ساختار عاملی پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفت.

### کدهای اخلاقی

در پژوهش حاضر جهت رعایت اصول اخلاقی پرسش‌نامه‌ها تنها در اختیار کسانی قرار می‌گرفت که برای شرکت در پژوهش رضایت داشتند و مایل به پر کردن آن‌ها بودند و هیچ اجباری برای پر کردن پرسش‌نامه‌ها وجود نداشت.

### روند اجرای پژوهش

بعد از ترجمه، ترجمه‌ی معکوس و بررسی مجدد جهت اطمینان از معادل بودن ماده‌های فارسی با ماده‌های اصلی پرسش‌نامه‌ی رفتار پرخطر، تکانشی و خود مخرب این مقیاس همراه با پرسش‌نامه‌های دیگر در پارک‌ها و مراکز تفریحی شهرهای کرمانشاه و سنندج، با توضیح هدف کلی پژوهش و این که اجباری برای شرکت در پژوهش وجود ندارد، در

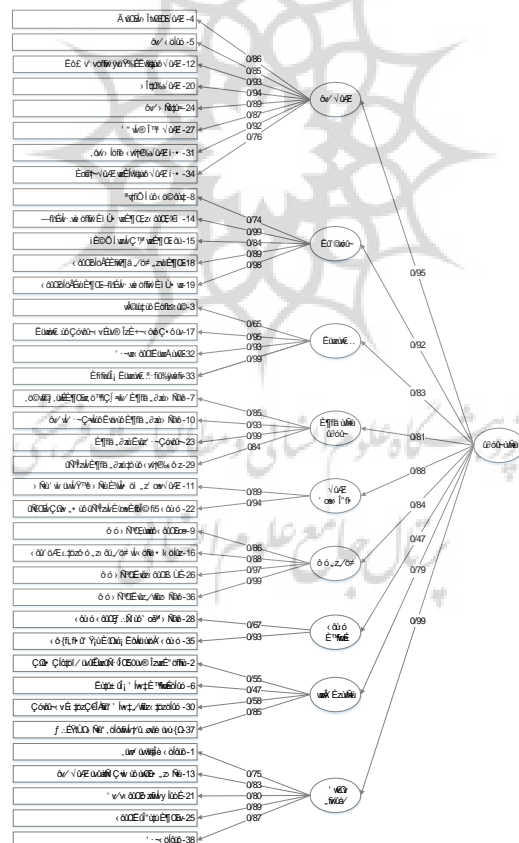
<sup>1</sup>. Cronbach's alpha

<sup>2</sup>. Split-Half

تحلیل عاملی به جای استفاده از برآورد بیشینه‌ی درست‌نمایی<sup>۴</sup> (روش معمول در مدلی‌یابی معادلات ساختاری) از برآورد حداقل مجزورات وزن‌دار استفاده شد که نیازی به تحقق پیش فرض‌های معمول از جمله نرمال بودن چند متغیری ندارد. نتایج این تحلیل‌ها نشان داد که ساختار هر سه بخش پرسش‌نامه شامل رفتارهای پرخطر (RMSEA=0.02, CFI=0.98, TFI=0.98) (شکل ۱)، انگیزش عاطفی منفی (شکل ۲) (RMSEA=0.05, CFI=0.93, TFI=0.93) و انگیزش عاطفی مثبت (شکل ۳) (RMSEA=0.03, CFI=0.96, TFI=0.96) بر اساس داده‌ها مورد تأیید است. در بخش رفتارهای پرخطر با توجه به از نوع مرتبه‌ی دوم بودن تحلیل انجام شده هم همبستگی سؤالات با عامل مربوط به خود و هم همبستگی نمرات خرده مقیاس‌ها با نمره‌ی کل رفتار پرخطر مورد تأیید قرار گرفت. در هر سه تحلیل تمام بارهای عاملی با سطح خطای  $0.01/P < 0.01$  از نظر آماری معنادار بودند.

منفی و مثبت رفتارهای پرخطر به ترتیب  $0.93/0$  و  $0.93/0$  و ضریب تنصیف آن‌ها  $0.91/0$  و  $0.92/0$  به دست آمد که نشان‌دهنده‌ی پایایی خوب این بخش‌های پرسش‌نامه است.

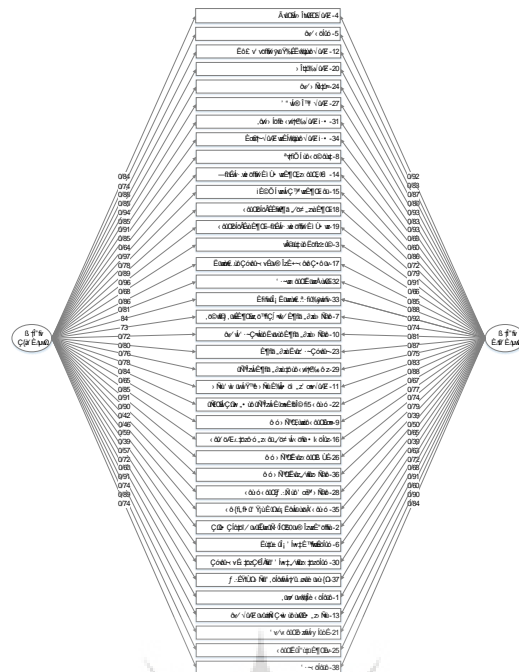
جهت بررسی ساختار عاملی پرسش‌نامه از سه تحلیل عاملی تأییدی مجزا برای سه بخش اصلی پرسش‌نامه (رفتارهای پرخطر، انگیزش عاطفی منفی و انگیزش عاطفی مثبت) استفاده شد. قبل از استفاده از این تحلیل توزیع نمرات خرده مقیاس‌های پرسش‌نامه با محاسبه میزان کجی<sup>۱</sup> و کشیدگی<sup>۲</sup> مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که کجی نمرات مصرف مواد، قماربازی، رفتار جنسی پرخطر، صدمه به خود و اعمال مجرمانه؛ و کشیدگی نمرات مصرف مواد، رفتار جنسی پرخطر، صدمه به خود و اعمال مجرمانه از دامنه‌ی مورد قبول (قدر مطلق ۳ برای کجی و قدر مطلق ۱۰ برای کشیدگی) (کالین، ۲۰۱۵) فراتر است. به همین دلیل و نیز به خاطر از نوع درجه‌بندی بودن سؤالات پرسش‌نامه برای انجام



شکل ۱- نتایج تحلیل عاملی مرتبه‌ی دوم برای بررسی ساختار عاملی بخش رفتارهای پرخطر پرسش‌نامه (بعضی از ماده‌ها کوتاه شده‌اند)

4. Maximum Likelihood  
5. Weighted Least Squares  
6. second order

1. Skewness  
2. Kurtosis  
3. Kline



شکل ۲- بارهای عاملی سوالات پرسش‌نامه (بعضی از ماده‌ها کوتاه شده‌اند) روی نمره‌ی کل انگیزش عاطفی منفی و انگیزش عاطفی مثبت

جهت بررسی روایی ملاکی پرسش‌نامه ضرایب همبستگی بین رفتار تکانشی با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن محاسبه شد. نمرات خرده مقیاس‌های رفتار پرخطر با نمرات خرده مقیاس‌های (جدول ۱).

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرها

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. فقدان تأمل	۶/۷۵	۲/۴۸							
۲. فوریت	۹/۶۵	۲/۸۴	۰/۱۶**						
۳. هیجان خواهی	۱۱/۱۵	۳/۲۱	-۰/۰۹	۰/۲۴**					
۴. فقدان پشتکار	۶/۷۸	۲/۵۷	۰/۶۹**	-۰/۰۷	۰/۱۰				
۵. فوریت مثبت	۸/۹۰	۳/۱۷	۰/۲۳**	۰/۶۴**	-۰/۱۶**				
۶. انگیزش عاطفی منفی	۱۵/۰۳	۲۰/۵۴	۰/۲۰**	۰/۱۹**	۰/۲۷**	-۰/۱۷*	۰/۳۴**		
۷. انگیزش عاطفی مثبت	۱۲/۸۰	۱۸/۵۲	۰/۱۷**	۰/۱۹**	۰/۳۱**	-۰/۱۱*	۰/۳۶**	-۰/۸۸**	
۸. مصرف مواد	-۰/۵۲	۱/۴۸	۰/۲۴**	۰/۱۶**	۰/۲۴**	-۰/۱۹**	۰/۲۸**	-۰/۶۸**	-۰/۶۳**
۹. پرخاش‌گری	-۰/۶۳	۱/۲۲	۰/۱۴**	-۰/۱۲*	۰/۱۹**	-۰/۰۸	۰/۲۰**	-۰/۵۸**	-۰/۵۷**
۱۰. قمار بازی	-۰/۳۰	-۰/۷۹	-۰/۰۸	-۰/۰۹	۰/۱۵**	-۰/۰۸	۰/۱۵**	-۰/۴۳**	-۰/۵۳**
۱۱. رفتار جنسی پرخطر	-۰/۲۲	-۰/۷۳	-۰/۰۶	-۰/۰۶	۰/۱۹**	-۰/۰۶	۰/۱۳**	-۰/۴۵**	-۰/۵۰**
۱۲. مصرف سنگین الکل	-۰/۲۱	-۰/۵۷	-۰/۰۹	-۰/۰۹	۰/۱۳*	-۰/۰۳	۰/۱۴**	-۰/۴۷**	-۰/۵۲**
۱۳. صدمه به خود	-۰/۳۶	-۰/۹۵	-۰/۲۱**	۰/۱۵**	۰/۱۶**	-۰/۱۴*	۰/۱۷**	-۰/۵۵**	-۰/۴۵**
۱۴. غذا خوردن تکانشی	۱/۶۸	۲/۳۷	-۰/۱۰	-۰/۰۸	۰/۱۹**	-۰/۰۸	۰/۱۷**	-۰/۴۶**	-۰/۴۰**
۱۵. رفتار بی‌مهابا	۱/۰۷	۱/۲۱	-۰/۰۲	-۰/۱۰*	۰/۳۳**	-۰/۰۰	۰/۲۴**	۰/۴**	-۰/۴۶**
۱۶. اعمال مجرمانه	-۰/۳۱	-۰/۸۲	-۰/۱۵**	۰/۱۵**	۰/۲۲**	-۰/۱۴**	۰/۲۷**	-۰/۶۳**	-۰/۶۰**
۱۷. نمره کل رفتار پرخطر	۵/۳۲	۶/۵۶	-۰/۱۲*	۰/۱۷**	۰/۳۲**	-۰/۰۸	۰/۳۱**	-۰/۸۰**	-۰/۷۸**

۱. Spearman



$$*P<0/05 \quad **P<0/01$$

رفتارهای مصرف سنگین الکل را در یک ماه گذشته تجربه کرده بودند که با توجه به پیامدهای وخیم این رفتارها از شیوع بالا حکایت دارد. به خصوص ۲۰/۲ درصد افراد حداقل یکی از رفتارهای مصرف مواد را در یک ماه گذشته تجربه کرده بودند که نشان دهنده شیوع گسترده‌ی مصرف مواد در مناطق مورد بررسی است.

برای بررسی پایایی پرسش‌نامه از دور روش محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ و ضریب تنصیف استفاده شد. پایایی نمره‌ی کل بخش رفتارهای پرخطر و نیز بخش‌های انگیزش عاطفی منفی و انگیزش عاطفی مثبت با استفاده از روش‌های مذکور مورد تأیید قرار گرفت. اگرچه نتایج در مورد حوزه‌های مختلف رفتار پرخطر متفاوت بود و بعضی از حوزه‌ها از جمله رفتار بی‌مهابا پایایی مناسبی نداشتند، اما اکثر حوزه‌ها از پایایی خوب و قابل قبولی برخوردار بودند. هم‌چنین، این یافته مشابه با نتایج مطالعه روان‌سنجی (ساده و باسکین-سومرز، ۲۰۱۷) است که برای ساخت این پرسش‌نامه انجام شده است. علت احتمالی آن وجود دو حوزه متفاوت رفتاری (خرج کردن و رانندگی کردن) است که تحت یک عامل قرار گرفته و دست‌یابی به همسانی درونی بالا در این خرده مقیاس را دشوار می‌سازد.

جهت بررسی ساختار عاملی پرسش‌نامه از سه تحلیل عاملی تأییدی برای بررسی ساختار عاملی سه‌بخش اصلی پرسش‌نامه (رفتار پرخطر، انگیزش عاطفی منفی و انگیزش عاطفی مثبت) استفاده شد. نتایج این تحلیل‌ها (شکل‌های ۱ و ۲) نشان داد که مدل‌های مربوط از برازش مطلوبی با داده‌ها برخوردار است. همبستگی تمام سؤالات با عامل مربوط به خود از لحاظ آماری معنادار بود و این میزان برای هیچ سؤالی کمتر از ۰/۴۰ نبود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که سؤالات پرسش‌نامه به خوبی انتخاب شدند و برای به دست آوردن برازش مطلوب نیاز به حذف هیچ سؤالی از تحلیل وجود ندارد. علاوه بر این، توجه به ارتباط بین حوزه‌های مختلف رفتار پرخطر با نمره‌ی کل (شکل ۱) نشان می‌دهد که ساختار عاملی پرسش‌نامه در سطح مرتبه‌ی دوم نیز مورد تأیید است. در این تحلیل اگرچه همبستگی نمرات تمام حوزه‌های رفتار پرخطر با نمره‌ی کل پرسش‌نامه از نظر آماری معنادار بود، اما ارتباط غذا خوردن تکانشی، در مقایسه با سایر حوزه‌ها ضعیف بود. این یافته نشان‌دهنده‌ی ارتباط

همان‌طور که نتایج آزمون همبستگی در جدول ۱ نشان می‌دهد، بین حوزه‌های مختلف رفتار پرخطر و ابعاد رفتار تکانشی همبستگی ضعیف تا متوسطی وجود دارد که هم نشان‌دهنده‌ی روایی هم‌زمان (به خاطر ارتباط مفهومی دو سازه) و هم نشان‌دهنده‌ی روایی تمییزی (به خاطر مستقل بودن دو سازه) پرسش‌نامه‌ی رفتار پرخطر، تکانشی و خود مخرب است. بین نمره‌ی کل رفتار پرخطر و انگیزش عاطفی منفی ( $r=0/80, P<0/01$ ) و انگیزش عاطفی مثبت ( $r=0/78, P<0/01$ ) نیز همبستگی بالایی به دست آمد که نشان‌دهنده‌ی نقش برجسته‌ی راه‌اندازهای عاطفی در اقدام به رفتارهای پرخطر است.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی و ساختار عاملی پرسش‌نامه‌ی رفتار پرخطر، تکانشی و خود مخرب و راه‌اندازهای عاطفی رفتارهای پرخطر انجام شد. یافته‌های توصیفی نشان داد که رفتار بی‌مهابا (رانندگی و خرید کردن)، غذا خوردن تکانشی و پرخاش‌گری سه مشکل شایع؛ و رفتار جنسی پرخطر، مصرف الکل و قماربازی سه مشکل کمتر شایع از بین حوزه‌های رفتار پرخطر در شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر است. اگرچه مشکل خشونت و پرخاش‌گری در کرمانشاه از مشکلات عمده در نظر گرفته می‌شود و در پژوهش‌های مختلف (اسدی، عبدلی، دلاور، درتاج، اسماعیلی و فرخی، ۲۰۱۶/۱۳۹۵؛ تاتاری، موسوی، رضایی و خوشبخت، ۲۰۱۳/۱۳۹۲) نیز منعکس شده است. اما ذکر دو نکته ضروری است: اولاً، با توجه به این که بین کرمانشاه و سنج در نمره‌ی پرخاش‌گری تفاوت معناداری وجود نداشت ( $t=1/37, P>0/05$ )، می‌توان گفت که پرخاش‌گری تنها مشکل کرمانشاه نیست و احتمالاً به مناطقی از کشور یا کل کشور مربوط است. دوماً، رفتارهای پرخطر دیگری مانند غذا خوردن تکانشی، خرید تکانشی و رانندگی بی‌مهابا با وجود داشتن فراوانی بیشتر مورد بی‌توجهی قرار گرفتند و بنابراین نیازمند بررسی‌های بیشتر هستند. رفتارهای دیگر از جمله رفتار جنسی پرخطر و مصرف سنگین الکل نسبت به سایر رفتارها از شیوع کمتری برخوردار بودند، ولی همچنان ۱۰/۷ درصد افراد حداقل یکی از رفتارهای جنسی پرخطر و ۱۴/۲ درصد افراد حداقل یکی از

پرخاطر شناسایی کردند. مدل‌های برجسته‌ی انگیزش مطرح می‌کنند که دو سیستم اولیه انگیزش گرایش (که شامل دنبال کردن پیامدهای پاداش‌دهنده است) و انگیزش اجتناب (که شامل دوری‌گزینی از پیامدهای آزاردهنده است) با راه‌اندازی رفتارهای پرخاطر و تکانشی در ارتباط هستند (میگلین و همکاران، ۲۰۲۰). با وجود ارتباط مثبتی که بین انگیزش‌های عاطفی و تمام حوزه‌های رفتار پرخاطر وجود داشت، شدت این ارتباط برای حوزه‌های مختلف متفاوت بود. در واقع، یافته‌ها نشان داد که مصرف مواد بیش از هر حوزه‌س دیگری تحت تأثیر انگیزش‌های عاطفی (چه مثبت و چه منفی) قرار دارد، در مقابل رفتار بی‌مها با و غذا خوردن تکانشی به کمترین میزان به ترتیب تحت تأثیر انگیزش عاطفی منفی و انگیزش عاطفی مثبت قرار داشتند. نکته قابل ذکر دیگر این است که ارتباط نمره‌ی کل رفتار پرخاطر با انگیزش عاطفی منفی بیش از همین ارتباط با انگیزش عاطفی مثبت بود که نشان‌دهنده‌ی وزن بیشتر هیجانانگیزی منفی در راه‌اندازی رفتارهای پرخاطر است.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه است که می‌تواند قابلیت تعمیم یافته‌های آن را محدود کند. از جمله با توجه به از نوع خود گزارشی بودن ابزارهای مورد استفاده و این احتمال که افراد ممکن است بخواهند چهره‌ی مثبت‌تری از خود نشان دهند شیوع واقعی رفتار پرخاطر ممکن است بیشتر از میزانی باشد که در این پژوهش گزارش شد. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر در دسترس بودن نمونه و اجرای آن تنها روی جمعیت عادی است که اجرای آن روی جمعیت‌هایی با رفتار پرخاطر بالا مانند افراد مجرم می‌تواند به روشن شدن الگوهای رفتار پرخاطر آن‌ها در مقایسه با جمعیت عادی کمک کند. علاوه بر این، هنگامی که برای گزارش رفتارهای پرخاطر یک بازه زمانی کوتاه (برای مثال، یک ماه) در نظر گرفته می‌شود، به دلیل کم بودن فراوانی این رفتارها در اکثر افراد و زیاد بودن آن در اقلیت، توزیع نمرات دچار کجی مثبت می‌شود که یک راه حل برای مرتفع کردن آن قرار دادن نمرات در طبقات محدودی است (مشابه با کاری که در پرسش‌نامه‌ی رفتار پرخاطر، تکانشی و خود مخرب انجام شده است)، اما یک راه حل بالقوه در نظر گرفتن رفتارهای پرخاطر در یک بازه‌ی زمانی طولانی‌تر (برای مثال سه ماه یا شش ماه) است که می‌تواند با افزایش رفتارهای گزارش شده توسط اکثر افراد به کاهش کجی توزیع نمرات منجر شود.

پایین بین غذا خوردن تکانشی و سایر ابعاد رفتار پرخاطر است و حکایت از آن دارد که این رفتار از نظر ماهیت نسبت به سایر رفتارها متفاوت است. بنابراین، در در نظر گرفتن این رفتار به‌عنوان رفتار پرخاطر باید جانب احتیاط را رعایت کرد و حذف این بعد از پرسش‌نامه، با توجه به این که تنها دو سؤال برای سنجش آن اختصاص داده شده است، بدون تغییر عمده در ساختار پرسش‌نامه می‌تواند به بهبود ویژگی‌های روان‌سنجی آن کمک کند. در مقابل، مصرف مواد، اعمال مجرمانه و پرخاش‌گری مهم‌ترین ابعاد رفتار پرخاطر را تشکیل می‌دادند.

بررسی ارتباط بین حوزه‌های مختلف رفتار پرخاطر با ابعاد مقیاس رفتار تکانشی نشان‌دهنده‌س ارتباط ضعیف تا متوسط آن‌ها بود. این یافته هم به نوعی نشان‌دهنده‌س روایی هم‌زمان و هم نشان‌دهنده‌ی روایی تمییزی پرسش‌نامه‌ی رفتار پرخاطر است. همان طور که قبلاً گفته شد، ابزارهای شخصیت‌محوری مانند مقیاس رفتار تکانشی (سیدرز و همکاران، ۲۰۱۴)، خطرپذیری را به‌عنوان یک صفت مفهوم‌بندی می‌کنند و با این هدف ساخته می‌شوند که سازه‌ی نهفته زیربنای تمایلات خطرپذیری مژمن (مانند صفت بازدارنده‌ی زودایی یا تکانش‌گری) را بسنجند (کروگر و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین این ابزارها از نظر ماهیت ساخت با ابزارهای رفتارمحور متفاوت هستند و چون حوزه‌های خاص رفتار پرخاطر را اندازه‌گیری نمی‌کنند، نمی‌توان انتظار داشت که بین نمرات این ابزارها و حوزه‌های رفتارهای پرخاطر همبستگی بالایی وجود داشته باشد. در همین راستا، همبستگی ضعیف تا متوسط به دست آمده بین این دو نوع ابزار در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با وجود ارتباطی که بین این دو نوع ابزار وجود دارد (روایی همگرا)، این دو نوع ابزار از هم متفاوت هستند و نمی‌توان آن‌ها را به جای هم استفاده کرد (روایی واگرا یا تمییزی).

بین انگیزش عاطفی منفی و انگیزش عاطفی مثبت با حوزه‌های مختلف رفتار پرخاطر همبستگی مثبت بالایی وجود داشت. این یافته هم‌سو با نتایج پژوهش‌های متعددی است (جیمز و همکاران، ۲۰۱۴؛ زاگرمین و کلن، ۲۰۰۰؛ کمپ و همکاران، ۲۰۱۸؛ لیرو و همکاران، ۲۰۱۰؛ میگلین و همکاران، ۲۰۲۰؛ ویس و همکاران، ۲۰۱۲) که بر نقش هیجانانگیزی شکل‌گیری رفتارهای پرخاطر تأکید کرده‌اند. در واقع، مدل‌های نظری موجود دو عامل کاهش یا تسکین حالات عاطفی منفی (جیمز و همکاران، ۲۰۱۴؛ لیرو و همکاران، ۲۰۱۰) و افزایش حالات عاطفی مثبت (کمپ و همکاران، ۲۰۱۸؛ زاگرمین و کلن، ۲۰۰۰) را به‌عنوان راه‌انداز رفتارهای

**قدردانی:** از تمام کسانی که در انجام این پژوهش ما را یاری کردند کمال تشکر و سپاس را داریم.

**تعارض منافع:** هیچ گونه تعارض منافی وجود نداشت.

**حامی مالی:** هیچ نوع حمایت مالی دریافت نشده است.

## References

- Asadi, R., Abdoli, N., Delavar, A., Dortaj, F., Esmaeili, A., & Farrokhi, N. (1395s.c. /2016). Validation of aggression questionnaire on Kermanshah high risk and positive behaviour drivers. *Journal of Modern Psychological Researches*, 11(42), 1-25. (In Persian)
- Cyders, M. A., Littlefield, A. K., Coffey, S., & Karyadi, K. A. (2014). Examination of a short English version of the UPPS-P Impulsive Behavior Scale. *Addictive Behaviors*, 39(9), 1372-1376. doi: 10.1016/j.addbeh.2014.02.013
- James, L. M., Strom, T. Q., & Leskela, J. (2014). Risk-taking behaviors and impulsivity among veterans with and without PTSD and mild TBI. *Military Medicine*, 179(4), 357-363. doi: 10.7205/milmed-d-13-00241
- Jebraeili, H., Moradi, A. R., & Habibi, M. (2019). Psychometric properties of Persian short version of the five-factor impulsive behavior scale. *Research & Health*, 9(6), 516-524. doi: 10.32598/jrh.9.6.516
- Kemp, E., Sadeh, N., & Baskin-Sommers, A. (2018). A latent profile analysis of affective triggers for risky and impulsive behavior. *Frontiers in Psychology*, 9, 2651. doi: 10.3389/fpsyg.2018.02651
- Kline, R. B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling*, Fourth Edition. New York: Guilford Publications.
- Krueger, R. F., Markon, K. E., Patrick, C. J., Benning, S. D., & Kramer, M. D. (2007). Linking antisocial behavior, substance use, and personality: an integrative quantitative model of the adult externalizing spectrum. *Journal of Abnormal Psychology*, 116(4), 645-666. doi: 10.1037/0021-843x.116.4.645
- Leyro, T. M., Zvolensky, M. J., & Bernstein, A. (2010). Distress tolerance and psychopathological symptoms and disorders: a review of the empirical literature among adults. *Psychological Bulletin*, 136(4), 576-600. doi: 10.1037/a0019712
- MacArthur, G. J., Smith, M. C., Melotti, R., Heron, J., Macleod, J., Hickman, M., Lewis, G. (2012). Patterns of alcohol use and multiple risk behaviour by gender during early and late adolescence: the ALSPAC cohort. *Journal of Public Health*, 34(1), 20-30. doi: 10.1093/pubmed/fds006
- Mestre-Bach, G., Steward, T., Granero, R., Fernández-Aranda, F., Talón-Navarro, M. T., Cuquerella, À., Jiménez-Murcia, S. (2018). Gambling and Impulsivity Traits: A Recipe for Criminal Behavior? *Front Psychiatry*, 9, 1-10. doi: 10.3389/fpsyg.2018.00006
- Miglin, R., Bounoua, N., Spielberg, J. M., & Sadeh, N. (2020). A transdiagnostic examination of affective motivations for drug use. *Addictive Behaviors Reports*, 12, 100279-100279. doi: 10.1016/j.abrep.2020.100279
- Moffitt, T. E., Arseneault, L., Belsky, D., Dickson, N., Hancox, R. J., Harrington, H. Caspi, A. (2011). A gradient of childhood self-control predicts health, wealth, and public safety. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 108(7), 2693-2698. doi: 10.1073/pnas.1010076108
- Sadeh, N., & Baskin-Sommers, A. (2017). Risky, Impulsive, and Self-Destructive Behavior Questionnaire (RISQ): a validation Study. *Assessment*, 24(8), 1080-1094. doi: 10.1177/1073191116640356
- Sadeh, N., & Bredemeier, K. (2021). Engaging in risky and impulsive behaviors to alleviate distress mediates associations between intolerance of uncertainty and externalizing psychopathology. *Journal of Personality Disorders*, 35(3), 393-408. doi: 10.1521/pedi\_2019\_33\_456
- Sadeh, N., Miglin, R., Bounoua, N., Beckford, E., Estrada, S., & Baskin-Sommers, A. (2021). Profiles of lifetime substance use are differentiated by substance of choice, affective motivations for use, and childhood maltreatment. *Addictive Behaviors*, 113, 106710. doi: 10.1016/j.addbeh.2020.106710
- Sadeh, N., Spielberg, J. M., & Hayes, J. P. (2018). Impulsive responding in threat and reward contexts as

- a function of PTSD symptoms and trait disinhibition. *Journal of Anxiety Disorders*, 53, 76-84.
- Soleimanasab, F., Gholamrezaei, S., & Veiskarami, H. (1397s.c./2018). Compilation and validation of "assessing the amount of tendency to risk taking in Iranian young students" questionnaire along the realization of religious training goals. *Journal of Applied Issues in Islamic Education*, 3(3), 59-84. <https://doi.org/10.29252/qaiie.3.3.59>. (In Persian)
- Steinberg, L. (2008). A social neuroscience perspective on adolescent risk-taking. *Developmental review*, 28(1), 78-106. doi: 10.1016/j.dr.2007.08.002
- Tatari, F., Mousavi, A., Rezaei, M., & Khoshbakht, E. (1392s.c./2013). The relationship between aggression rates and drugs abuse among posttraumatic stress disorder patients. *Journal of Kermanshah University of Medical Sciences*, 17(8), 531-539. (In Persian)
- Thomsen, C. J., Stander, V. A., McWhorter, S. K., Rabenhorst, M. M., & Milner, J. S. (2011). Effects of combat deployment on risky and self-destructive behavior among active duty military personnel. *Journal of Psychiatric Research*, 45(10), 1321-1331. doi: 10.1016/j.jpsychires.2011.04.003
- Weiss, N. H., Tull, M. T., Viana, A. G., Anestis, M. D., & Gratz, K. L. (2012). Impulsive behaviors as an emotion regulation strategy: examining associations between PTSD, emotion dysregulation, and impulsive behaviors among substance dependent inpatients. *Journal of Anxiety Disorders*, 26(3), 453-458. doi: 10.1016/j.janxdis.2012.01.007
- Wolf, E. J., Harrington, K. M., Clark, S. L., & Miller, M. W. (2013). Sample size requirements for structural equation models: an evaluation of power, bias, and solution propriety. *Educational and Psychological Measurement*, 76(6), 913-934. doi: 10.1177/0013164413495237
- Zadeh Mohammadi, A., Ahmadabadi, Z., & Heidari, M. (2011/1390). Construction and assessment of psychometric features of Iranian adolescent's risk-taking scale. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 17(3), 218-225. (In Persian)
- Zuckerman, M., & Kuhlman, D. M. (2000). Personality and risk-taking: common biosocial factors. *Journal of Personality*, 68(6), 999-1029. doi: 10.1111/1467-6494.00124